



www.qpjjournal.ir

ISSN : 2783-4166

بررسی عوامل غرابت صنعت تشبیه در دیوان عبدالواسع جبلی

دکتر لیلا امیری^۱، دکتر زهرا ریاحی زمین^۲

تاریخ دریافت : ۱۳۹۸/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش نهایی : ۱۴۰۰/۱۰/۰۷

(از ص ۳۶ تا ص ۵۱)

نوع مقاله : پژوهشی



[20.1001.1.27834166.1401.5.1.6.0](https://doi.org/10.1001.1.27834166.1401.5.1.6.0)

چکیده

عبدالواسع جبلی از شاعران قرن نهم هجری است که اکثریت محققان او را در تغییر سبک شعر فارسی از خراسانی به عراقی سهیم دانسته‌اند. این مقاله بر آن است تا عوامل غرابت صنعت تشبیه را در دیوان او با روش تحقیق کیفی، از نوع تحلیلی- توصیفی و شیوه‌ی متن‌پژوهی بررسی کند. در موارد لزوم از روش‌های مقایسه‌ای و آمارگیری نیز استفاده شده است. واکاوای اشعار عبدالواسع جبلی نشان می‌دهد فراخوانی مشبّه‌های زنجیره‌ای هم‌خانواده که مناسباتی با هم دارند، هم‌زمانی ذکر یک مشبّه‌به یکسان برای دو مشبه و با دو وجه‌شبه متفاوت در یک بیت، تشبیهات عکس و تعویض جای مشبه و مشبّه‌به، تشبیهات حروفی و تنوع و گوناگونی مشبه و مشبّه‌به، از جمله دلایل غرابت تشبیه در اشعار او هستند؛ تا جایی که بتوان گفت شاعر از تشبیه بیش از آن که یک آرایه‌ی ادبی و در جهت زیبایی‌آفرینی باشد، به عنوان یک صنعت و به منظور فضل‌فروشی و اظهار تفاخر بهره گرفته و محتوای مسلط مدح در دیوان او در زیر لایه‌ای از تشبیهات غریب، متکلف، متصنع و مفاخره‌آمیز نهان شده است.

واژه‌های کلیدی : تشبیهات حروفی، عبدالواسع جبلی، غرابت تشبیه، گوناگونی.

مقدمه

^۱استادیار دانشگاه شیراز، شیراز، ایران(نویسنده مسئول) Email : amirifa902@gmail.com

^۲دانشیار دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. Email : zriahi@rose.shirazu.ac.ir



شاعران در دوره‌های مختلف شعر فارسی، برای تزیین کلام و خیال‌انگیزتر کردن سخن خود از آرایه‌های ادبی و صور خیال استفاده کرده‌اند. میزان کاربرد این صنایع اعم از لفظی و معنوی در اشعار آن‌ها، به دلایلی همچون سلیقه‌ی رایج عصر، ذوق شخصی شاعر و تحولات سبکی، متفاوت و در نوسان بوده است. این امکان و ابزار، از سویی شعر شاعران را به غنایی شدن نزدیک کرده و بر ابعاد هنری و شاعرانگی آن افزوده است و از سوی دیگر، استفاده‌ی بیش از حد، نامتعارف و نامعمول از این آرایه‌ها، کلام آن‌ها را غریب و مغلق کرده است. عبدالواسع جبلی یکی از شاعرانی است که با استفاده‌ی فراوان و اغراق‌آمیز از تشبیه، باعث غرابت و پیچیدگی شعر خود شده است. از آن جا که جبلی در تغییر سبک شعر فارسی از خراسانی به عراقی نقش داشته است، بررسی عوامل غرابت تشبیهات او لازم به نظر می‌رسد. این مسأله قرار است از وجوه مختلف در مقاله‌ی حاضر بررسی شود. تشبیهات حروفی و عکس، تنوع و گوناگونی مشبّه‌به برای یک مشبه یا بالعکس و مشبه‌به‌های زنجیره‌ای هم‌خانواده از جمله عوامل غرابت تشبیهات عبدالواسع جبلی محسوب می‌شوند.

روش تحقیق

این پژوهش بر آن است تا عوامل غرابت صنعت تشبیه را در دیوان عبدالواسع جبلی با روش تحقیق کیفی، از نوع تحلیلی-توصیفی و شیوه‌ی متن‌پژوهی بررسی کند. بنابراین با واکاوی دیوان شاعر، همه‌ی تشبیهات دیوانش را استخراج نموده و عوامل غرابت آن‌ها را واکاوی کرده است. افزون بر این، در موارد لزوم از روش‌های مقایسه‌ای و آمارگیری نیز استفاده شده است و تشبیهات عبدالواسع جبلی در ابعاد مختلف، با معاصران او همچون انوری و اثیر اخسیکتی قیاس شده و ضمن آمارگیری، درصدهایی مطرح شده است.

مبانی نظری تحقیق

عبدالواسع جبلی (متوفی به سال ۵۵۵ هجری) شاعر قرن ششم هجری و مدّاح سلاطین سلجوقی است. برخی محققان او را از جمله پیشروان تغییر سبک سخن از خراسانی به عراقی دانسته‌اند (صفا نقل از؛ جبلی، ۲۵۳۶: یازده؛ شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۱۹). جبلی از جمله شاعرانیست که به آرایه و آرایه‌پردازی به‌ویژه در حوزه‌ی تشبیه به عنوان یک صنعت نگریسته است. «بر روی هم کمتر اتفاق می‌افتد که قصیده‌یی را از او شروع کنیم و در هر بیت به صنعتی... باز نخوریم. اما عجب در آنست که شاعر در عین آن که توجّه تامّ به صنایع دارد، مغلوب آن‌ها نیست» (صفا نقل از؛ جبلی، ۲۵۳۶: نوزده). سبک و شیوه‌ی متمایز جبلی نسبت به هم‌عصرانش موجب شده است که نظریات درباره‌ی او متناقض باشد. ذبیح‌الله صفا او را از زمره‌ی شاعرانی برشمرده است «که توانسته‌اند در نیمه‌ی اول قرن ششم، مقدمات تحوّل سبک سخن را در شعر فراهم آورند. وی درین راه در زمره‌ی استادانی از قبیل مسعود سعد و ابوالفرج رونی و سنایی قرار می‌گیرد و مانند همه‌ی آن‌ها درین زمینه



موفق و کامیابست» (همان: بیست و سه). حال آن که در کتاب *از گذشته‌ی ادبی ایران آمده است*: «هرچند طبع قوی و قریحه‌ی توانا داشته است، لیکن همّت خود را بیشتر صرف صنعت‌های لفظی کرده است و دیوان او از این جهت، تقریباً جز مجموعه‌یی از صنایع و محاسن بدیع، چیزی نیست و از جهت معانی، شعر او چندان مزیتی ندارد» (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۲۸۶). لازم به ذکر است بررسی دیوان عبدالواسع جبلی، نظر دکتر زرین کوب را مبنی بر غلبه‌ی لفظ بر محتوا و توجه افراطی شاعر به صنعت‌پردازی تأیید می‌کند.

از آن جا که این تحقیق بر محور صنعت تشبیه نوشته شده است، مختصری به آن اشاره خواهد شد. تشبیه عبارت است از آن که «چیزی را به چیزی مانند کنند در صفتی از صفات مشترکه میان هر دو؛ و اهل لغت، آن چیزی را که مانند کنند، مشبه گویند و آن چیز را که بدو مانند کنند، مشبه‌به خوانند» (کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۰۶). تحولات صنعت تشبیه با تطورات سبکی شعر فارسی ارتباطی تنگاتنگ دارد. به عنوان نمونه، در سبک خراسانی تشبیهات، حسّی و در سبک عراقی، انتزاعی هستند.

پیشینه‌ی تحقیق

عبدالواسع جبلی به عنوان شاعری سبک‌ساز در شعر فارسی شهره است؛ اما با وجود این نقش اساسی، تاکنون به جزء اشارتی پراکنده در کتب سبک‌شناسی، تاریخ ادبیات و تذکره‌ها، پژوهشی درباره‌ی این شاعر و به‌ویژه چرایی تشبیهات غریب او انجام نشده است. تنها پژوهش صورت گرفته در این زمینه، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی جنبه‌های زیبایی‌شناختی علم بدیع در دیوان عبدالواسع جبلی» (کشاورزی، ۱۳۹۳) است که به توجه فراوان عبدالواسع جبلی به بدیع در جهت زیباسازی و افزودن حسن تأثیر کلام شعریش اشاره کرده، اما تشبیه که از صنایع بیانی محسوب می‌شود، در این مطالعه بررسی نشده است. بنابراین، از آن جا که عبدالواسع جبلی شاعری برجسته و دارای طریقه‌ی خاصّ شعری خود است و در گذار سبک شعر فارسی از خراسانی به عراقی نقش کلیدی داشته است، واکاوی تشبیه در دیوان او بایسته می‌نماید.

بحث

در گستره‌ی ادب فارسی، شاعران از آرایه‌های متعدّد و متنوعی استفاده کرده‌اند و گاه به آرایه‌ی خاصّی علاقه‌مندی بیشتری داشته‌اند. عبدالواسع جبلی را هم می‌توان به علّت بسامد فراوان صنعت تشبیه در دیوانش، از زمره‌ی شاعرانی محسوب کرد که تشبیه‌گراست. تلاش جبلی در گستره‌ی تشبیه‌آفرینی تا آن جاست که گاه در سخن او تشبیهی نیست، اما تشبیهی به ذهن مخاطب متبادر می‌شود؛ تشبیهی که شاید بتوان آن را



«تشبیه تبادر» نامید. به عنوان نمونه در بیت زیر، واژه‌ی «باز» در معنی پیشوند فعلی باز آمدن یعنی برگشتن به کار رفته است، اما در معنی باز که پرنده‌ای شکاریست، تشبیه‌ی را به ذهن متبادر می‌کند؛ گویی سلطان به بازی که از شکار برگشته، تشبیه شده است.

دوشینه بامداد نشاط شراب کرد سلطان روزگار چو باز آمد از شکار
(جلی، ۲۵۳۶: ۲۱۱)

تشبیهات عبدالواسع جلی به دلیل غرابت و نوآوری در سیر تحول سبک شعر فارسی، حائز اهمیت هستند. از جمله علل غرابت تشبیهات او می‌توان به ازدحام و انبوهی تشبیه، کثرت مشبه‌به‌های زنجیره‌ای هم‌خانواده، ذکر یک مشبه‌به برای دو مشبه متفاوت و بالعکس، تعدد مشبه‌به‌ها برای یک مشبه، ظرفیت تشبیه عکس، وفور تشبیه حروفی و غلبه‌ی عناصر انتزاعی اشاره کرد.

ازدحام و انبوهی تشبیه

ازدحام و انبوهی تشبیهات در دیوان عبدالواسع جلی به خودی خود بر غرابت صنعت تشبیه در اشعار او افزوده است. فراوانی تشبیهات در یک بیت و شکل‌گیری تشبیهات ملفوف مقرون و مفروق، پیچیدگی شعرش را دوچندان کرده است. شاعر حتی گاه شش مشبه و مشبه‌به را در یک بیت گنجانده است و تشبیهاتی ساخته که باعث لف و نشر و صنعت تقسیم هم شده است. ابیات زیر نمونه‌هایی از ازدحام و انبوهی تشبیهات در دیوان شاعرند:

کوس چون رعد و فرس چون ابر و خنجر چون درفش تیر چون باران و خون چون سیل و سرها چون حباب
(همان: ۴۰)

ضمیر و خاطر و دیوان و طبع من باشند یکی چو مَرَج ریاحین یکی چو دَرَج طَرْف
ز وصف و شکر و ثنا و مدیح تو مه و سال یکی چو برج کواکب یکی چو دُرَج لآل
(همان: ۲۴۰)

که دارد چون تو معشوقی نگار و چابک و دلبر بنفشه زلف و نرگس چشم و لاله روی و نسرین بر
نباشد چون جبین و زلف و رخسار و لب ت هرگز مه روشن، شب تیره، گل سوری، می احمر
(همان: ۱۹۰)



در جهت مستند بودن این نظر مبنی بر تشبیه‌گرا بودن عبدالواسع جبلی و ازدحام و انبوهی تشبیه در دیوان او، دو قصیده به صورت تصادفی، انتخاب شد و همه آرایه‌های موجود در آن استخراج گردید و کاربرد تشبیه نسبت به دیگر صنایع مشخص شد. نتایج از این قرارند:

- قصیده در مدح نصیرالدین وزیر (همان: ۲۳-۲۱): تشبیه: ۱۷، استعاره مکنیه: ۲، تلمیح: ۴، تکرار: ۲، تضمین: ۲، اغراق: ۱ ← تشبیه: ۶۰/۷۱٪ و بقیه آرایه‌ها: ۳۹/۲۹٪.
- قصیده در مدح صدر اجل محمد (همان: ۸۰-۷۸): تشبیه: ۱۳، اغراق: ۱، حسن تعلیل: ۳، ارسال‌المثل: ۲ و اشتقاق: ۱ ← تشبیه: ۶۵٪ و بقیه آرایه‌ها ۳۵٪.

همان طور که مشاهده شد بسامد تشبیه در دو قصیده‌ی شاعر و به تبع آن، درصد این آرایه نسبت به دیگر آرایه‌ها سهم بیشتری به خود اختصاص داده است و تشبیه به تنهایی بیش از نیمی از نقش آرایه‌پردازی در دو قصیده‌ی جبلی را به عهده گرفته است؛ یعنی به ترتیب ۶۰/۷۱٪ و ۶۵٪. درصد تشبیه نسبت به دیگر آرایه‌ها در دو قصیده از انوری، یکی از معاصران جبلی، نیز بررسی گردید:

- قصیده در مدح ناصرالدین ابوالفتح طاهر (انوری، ۱۳۷۶: ۲۲۷-۲۲۵): تشبیه: ۱۷، تضاد: ۷، اغراق: ۲، تکرار: ۱، تناسب: ۴، موازنه: ۱، استعاره مکنیه: ۲، جناس: ۲، تلمیح: ۱، کنایه: ۳ ← تشبیه: ۴۲/۵٪ و بقیه آرایه‌ها: ۵۷/۵٪.
- قصیده در مدح یکی از اقوام پادشاه (همان: ۲۹۹-۲۹۷): تشبیه: ۶، موازنه: ۳، تکرار: ۱۵، تضاد: ۵، اشتقاق: ۳، جناس: ۵، تلمیح: ۲، تناسب: ۲، کنایه: ۱ ← تشبیه: ۱۴/۲۸٪ و بقیه آرایه‌ها: ۸۵/۷۲٪.

درصد تشبیه در دو قصیده انوری به ترتیب ۴۲/۵ و ۱۴/۲۸ درصد کل آرایه‌هاست که نسبت به عبدالواسع جبلی که در هر دو قصیده، بیش از ۶۰ درصد بود، تفاوت آشکاری دارد.

کثرت مشبّه‌به‌های زنجیره‌ای هم‌خانواده

یکی از ترفندهای عبدالواسع جبلی در غرابت تشبیهاتش، این است که ابتدا چند مشبه را بیان کرده و سپس زنجیره‌ای از پدیده‌های متعدّد - آن هم از یک خانواده - را برای آن‌ها به عنوان مشبه‌به مطرح کرده است. پس این مشبه‌به‌ها از سویی متعدّد، متنوع و زنجیره‌وار هستند و از سوی دیگر دارای تناسب نوعی. به عنوان نمونه در دو بیت زیر، زاغ به خطیب، باغ به مجلس، شاخ نار به منبر و نرگس به مستمع خطبه همانند شده‌اند و مشبه‌به‌های خطیب، مجلس، منبر و مستمع با هم تناسب دارند.

چون خطیبان در لباس قیرگون شد زاغ و گشت مجلس او طرف باغ و منبر او شاخ نار



وز برای استماع خطبه‌ی او ای عجب سر به پیش افکنده نرگس بر کنار جویبار
(همان: ۱۵۶)

عبدالواسع جبلی با ذهن و قریحه‌ی سرشار که با ممارست و تمرین او در آرایه‌پردازی همراه شده، انبوهی از مشبّه‌های هم‌خانواده را در کنار هم نهاده است. البته این مسأله، به معنای عدم وجود این شیوه در دیوان دیگر شاعران نیست، بلکه بسامد زیاد آن در دیوان شاعر در خور توجه است. مقایسه‌ی یک قصیده‌ی عبدالواسع جبلی با یکی از شاعران معاصرین این مسأله را به خوبی نشان می‌دهد. در قصیده‌ی در مدح ملک مجدالدین محمد پادشاه مازندران (همان: ۴۲-۳۵)، ۲۹ تشبیه وجود دارد و فراوانی تشبیهات مختلف به این صورت است: تشبیه با مشبّه‌به زنجیره‌ای: ۱۱، تشبیه کلیشه‌ای: ۶، تشبیه ابداعی: ۶، تشبیه مضمّر: ۲ و تشبیه مشروط: ۴. در این بررسی ۳۷/۹۳ درصد تشبیهات از نوع با مشبّه‌به زنجیره‌ای است و ۶۲/۰۷ درصد دیگر انواع تشبیهات.

بسامد مشبّه‌به زنجیره‌ای در قصیده‌ی یکی از معاصران عبدالواسع جبلی، یعنی اثیر اخسیکتی نیز بررسی شده است. قصیده در تسلیت از درگذشت مادر سلطان (اخسیکتی، ۱۳۳۷: ۶۷-۶۵) که بسامد تشبیهات مختلف به این صورت است: تشبیه با مشبّه‌به زنجیره‌ای: ۵، تشبیه کلیشه‌ای: ۴، تشبیه بلیغ اضافی: ۶ و تشبیه ابداعی: ۳. در این واکاوی ۲۷/۷۷ درصد کل تشبیهات با مشبّه‌به زنجیره‌ای است و ۷۲/۲۳ درصد بقیه انواع تشبیهات. آن‌چنان که مشاهده می‌شود بسامد تشبیه با مشبّه‌به زنجیره‌ای در قصیده‌ی عبدالواسع جبلی بیشتر از اثیر اخسیکتی است؛ با ده درصد اختلاف. نکته شایان توجه این که در هنگام مطالعه‌ی قصیده‌ی دو شاعر، تصنعی و عمدی بودن تمایل عبدالواسع جبلی در خلق این نوع تشبیه نمایان‌تر است و مشبّه‌به‌های زنجیره‌ای در شعر او، به آسانی قابل تشخیص هستند؛ در حالی که یافتن و فهمیدن این نوع مشبّه‌به در شعر اخسیکتی، تلاش ذهنی بیشتری از خواننده می‌طلبد. ارتباط و تناسب معنایی مشبّه‌به‌های عبدالواسع جبلی در حوزه‌های جنگ و آلات نبرد، موسیقی، احجار و جواهرات و سنگ‌های قیمتی، گل و گیاه و درختان، و نجوم شایان ذکر است.

پشت چفته چون کمان، چون رمح بر بسته میان دل پر از گوهر چو تیغ و لب گشاده همچو تیر
(جبلی، ۲۵۳۶: ۱۷۳)

ز نصرت در برت درقه، ز قدرت در کفت خنجر ز دولت بر سرت مغفر، ز عصمت بر تنت جوشن
(همان: ۳۱۵)

چرخ گردش، تیر دانش، زهره رامش، ماه سیر مهر فرّ، کیوان منش، بهرام کین، برجیس فال
(همان: ۲۵۶)



زبید هر آنگهی که به شادی خوری شراب (همان: ۴۶)	مَه جام و زهره مطرب و خورشید ساقیت
چو ناردانه و گلنار و نارون دارد (همان: ۸۴)	لبان به گونه و چهره به حُسن و قد به صفت
قد گوژ چون بنفشه و اندک بقا چون ورد (همان: ۹۵)	چون لاله دل سیاه و چو سوسن فگنده سر
مخالفانش چون نار و آبی و تفاح (همان: ۷۲)	شکم شکافته و روی زرد و دل سیهند
جرغ دل، کرکس بصر، بلبیل طرب، عنقا توان (همان: ۳۳۳)	باز همت، کبک رو، طاوس فرّ، درّاج مکر
یاقوت سرخ و سیم سپید و زرّ عیار (همان: ۴۵۹)	چون اشک و موی و چهره‌ی من نیست در غمت
قد چو چنگ و دل چو نای و سر چو عود و تن چو زیر (همان: ۱۷۳)	دشمنت را گوژ و سوراخ و نگون و تافته
چون رود زار و نالان چون زیر تن نزار (همان: ۴۵۸)	چون چنگ چفته قدم و چون نای سفته دل
چون زلف تست پشتم همواره از دوتاهی (همان: ۵۸۶)	چون چشم تست بختم پیوسته از نژندی

ذکر یک مشبه‌به برای دو مشبه در یک بیت

یکی از هنرمندی‌های جبللی در غرابت تشبیهات این است که ذهن جستجوگر و خلاقیت سرشارش به او امکان می‌دهد — آن هم در فضای محدود یک بیت در نظام شعر سنتی با تمامی محدودیت‌های لفظی و



معنایی‌اش - یک مشبه به را همزمان با دو مشبه ارتباط دهد. به عنوان مثال در ابیات زیر، کلمات «لاله»، «یوسف»، «قارون»، «عقرب»، «چنگ» و «گل» همزمان در یک بیت، برای دو مشبه مختلف، مشبه به قرار گرفته‌اند. هم طبع ممدوح به لاله مانند شده است در تازه بودن و هم دشمن او در دل سیاهی، عمر اندکی و دامن چاکی، هم معشوق در خوبی و زیبایی به یوسف همانند شده است و هم شاعر در وجه مشترک در بلا بودن، هم خنجر در رنگ به سیماب تشبیه شده است و هم کوه در بیقراری، هم معشوق در غنی بودن از نیکویی به قارون همانند شده است و هم عاشق به قارون در عنصر مشترک در زیر خاک شدن، هم عاشق به جرّاره (عقرب) در دست بر سر نهادن تشبیه شده است و هم زلف در شکل ظاهری و هم طبع معشوق در خرمی به گل همانند شده است و هم بدخواه او در یک روز بقا داشتن.

چو لاله طبع تو تازست و دشمن تو چنوست به دل سیاه و به عمر اندک و به دامن چاک

(همان: ۲۳۴)

ای به خوبی گشته یوسف چاهی مثل در بلا میسند چون پیغمبر چاهی مرا

(همان: ۴۲۸)

گر کوه عکس خنجر سیماب رنگ تو بیند شود به سیرت سیماب بی‌قرار

(همان: ۲۱۲)

بس کسا شد چو قارون در غم تو زیر خاک تا خدای عرش کرد از نیکوی قارون ترا

(همان: ۵۰۰)

شب و روزم چو جرّاره نهاده دست‌ها بر سر از آن مشکین دو جرّاره چه تدبیر ای مسلمانان

(همان: ۵۶۵)

همچو گل طبع تو خرم باد و بدخواه ترا گر معاذالله بقا باشد چو گل یک روز باد

(همان: ۶۱۲)

تعدد مشبه به‌ها برای یک مشبه و بالعکس

اگرچه این امری طبیعی است که شاعری به صورت پراکنده برای یک مشبه، مشبه به‌های متعددی بیاورد و امری را هر بار به چیزی تشبیه کند، اما گاهی بسامد زیاد این موضوع در دیوان، نشانگر تلاش عمدی عبدالواسع جبلی



است. به عنوان مثال شاعر برای مشبه‌ی ثابت «دشمن»، در کل دیوانش مشبه‌به‌های متعددی همچون خیمه، ستون، میخ، طناب، دوات و قلم، کمان، برگ فروریخته از شاخ درخت، مرغ بر بایزن و زر را به کار برده است از جمله در ابیات زیر:

همچو خیمه چاک‌دامن چون ستون بسته‌میان کوفته‌تارک چو میخ و تافته‌تن چون طناب
(همان: ۴۲)

مخالف از حسد و غیرت تو دور از تو سیاه دل چو دواتست و زرد رخ چو قلم
(همان: ۲۷۳)

گاه چون برگ فروریخته از شاخ رزست گاه چون مرغ در آویخته از بایزنست
(همان: ۶۰۵)

به چشم تست که خود خاک و زر بود یکسان چو زر مخالف تو زیر خاک مدفون باد
(همان: ۹۲)

همان‌طور که تلاش عمده‌ی عبدالواسع جبلی در ذکر مشبه‌به‌های متعددی برای مشبه‌ی ثابت مشاهده شد، گاهی هم شاعر عامدانه سعی کرده است که یک مشبه‌به‌ی ثابت را برای مشبه‌های متنوعی به کار برد، تا بتواند متناسب با فضای مسلط بر عصرش که ذوق زمانه، دیگر تشبیهات محسوس به محسوس سبک خراسانی را نمی‌پسندید، راهی برای گریز از تکرار، کلیشه و ابتذال بیابد. به عنوان نمونه مشبه‌به‌ی ثابت «ماهی» را برای مشبه‌های گوناگونی مانند دشمن، اسب، فلک، ماه و معشوق به کار برده است.

طپیده باد چو ماهی مخالفت بر خاک ز رشک آنک به دستت ز ماه نو جامست
(همان: ۶۸)

ماه‌سیری ماهی‌اندازی که کردی هر زمان پشت ماهی را نعال او به ماه نو نگار
(همان: ۲۰۸)

چو ماهی بدن اندوده در غدیر کبود بزرّ پخته و آورده سر سوی دنبال
(همان: ۲۳۸)

پادشاه دادگر سنجر که ماه از طاعتش گر بتابد سر، چو ماهی در زمین گردد دفین
(همان: ۳۷۰)



از فزعشان سماک رامح خواست تا شود چون سمک در آب نهان
(همان: ۳۸۲)

تشبیه عکس

تشبیهات عکس از دیگر شگردهای عبدالواسع جبلی در غزابت تشبیه است که با مبالغه و گریز از ابتدال شعری همراه شده‌اند. شاعر مشبه و مشبه‌به را در تشبیهاتش جا به جا کرده است و با وارونه کردن رابطه‌ی مشبه و مشبه‌به و خلق تشبیهات مقلوب یا عکس، سعی در غزابت تشبیهات دارد. «در تشبیه عکس مشبه را مشبه‌به و مشبه‌به را مشبه قرار می‌دهند؛ برای ایهام آن که مشبه از مشبه‌به اتم و اقوی در وجه‌شبه است» (حسام‌العلماء آق‌اولی، ۱۳۷۳: ۱۵۵). عبدالواسع جبلی در تشبیهات عکس زیر، ارغوان را به طبع در شکفته شدن، سوسن را به رخساره‌ی شهره صنم، سنبل را به جرّاره (زلف)، مرغ را به مخالف، شکوفه را به رخساره‌ی جانان، بنفشه را به جرّاره‌ی دلبر، گلبن را به لعبت، قمری را به عاشق، ژاله را به اشک، لاله را به خدّ ماهرویان، باد خزان را به دم در سردی و برگ رزان را به چهره در زردی تشبیه کرده است.

چون طبع تو شکفته شود ارغوان به باغ ساقی به دست تو چو می ارغوان دهد
(جبلی، ۲۵۳۶: ۷۵)

سوسن چو دو رخساره‌ی آن شهره صنم شد سنبل چو دو جرّاره‌ی آن طرفه پسر شد
(همان: ۷۷)

مرغان چو مخالفان جاهت در باغ همی‌کنند فریاد
(همان: ۱۰۱)

شکوفه بر سر شاخست چون رخساره‌ی جانان بنفشه بر لب جویست چون جرّاره‌ی دلبر
(همان: ۱۲۵)

گلبنان چون لعبت نوشاد نازان بر چمن قمریان چون عاشق ناشاد نالان در سحر
(همان: ۱۷۹)

همچو اشک مهرجویان ژاله بارد از هوا همچو خدّ ماهرویان لاله روید از زمین
(همان: ۳۷۴)



گر چون دم من باد خزان سرد نگشتی چون چهره‌ی من برگ رزان زرد نگشتی
(همان: ۵۸۸)

وفور تشبیه حروفی

وفور تشبیهات حرفی هم بر غرابت تشبیهات عبدالواسع جبلی افزوده است. در کتاب *نگاهی تازه به بدیع*، از این گونه تشبیه، به نام حرف‌گرایی یاد شده است. «یعنی تشبیه به شکل و موقعیت حروف الفبا» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۱۰). یکی از حروف الفبا به عنوان مشبّه‌به قرار می‌گیرد و شکل ظاهری حرفی که مشبّه‌به قرار گرفته، وجه شباهت دو سوی تشبیه می‌شود. به عنوان نمونه در دیوان عبدالواسع جبلی، لب گشادگی نیکخواه به عین، سرفکندگی حاسد به جیم، بدسگال به نون در پشت گوژی، دل حسود به چشمه‌ی میم در تنگی، رخ در پر اشک بودن به شین و قد در گوژی به قاف همانند شده‌اند:

نیکخواه تو لب گشاده چو عین بدسگال تو سرفکنده چو جیم
(جبلی، ۲۵۳۶: ۲۷۷)

هست چون نون و قلم با پشت گوژ و روی زرد بدسگال تو ز حکم قایل نون و القلم
(همان: ۲۷۰)

پشت او گوژ شد به گونه‌ی دال دل او تنگ شد چو چشمه‌ی میم
(همان: ۲۷۷)

دهان باز و رخان پر اشک و قد گوژم تو پنداری که عین و شین و قافم تا بدین سه حرف مقرونم
(همان: ۵۵۸)

غلبه‌ی عناصر انتزاعی در تشبیه

حضور پررنگ عناصر انتزاعی و نامحسوس به خودی خود در غرابت تشبیه در دیوان عبدالواسع جبلی نقش داشته است. این شاعر باریک‌بین از نظر زمانی در قرن ششم ظهور کرد؛ زمانی که تشبیهات از عناصر محسوس و عینی در سبک خراسانی و در شعر شاعرانی همچون فردوسی، فرخی سیستانی و منوچهری فاصله گرفته



بود و اتفاقاً خود عبدالواسع جبلی از شاعرانی بوده که مطابق با جریان شعر فارسی، در ورود هر چه بیشتر انتزاعیات در تشبیه نقش داشته است. گاهی انتزاعیات به امور محسوس همانند می‌شوند و گاه برعکس. به عنوان نمونه در ابیات زیر تشبیهات دولت به درخت، اقبال به باغ، عدل به بیخ، علم به شاخ، جاه به برگ، جود به بار، عزم به درخت، دولت به بوستان، بیخ به جلال، غم به دام، حزن به تیر، غم به شرنگ و خار، شادی به شکر و گل، معشوق به آرزوی تنگدلان در دیر رسیدن و به دوستی سنگدلان در زود رفتن، نیازمندی به سیمرغ در معدوم شدن، هوا به کوی، هوان به دام، از زمره تشبیهات عبدالواسع جبلی محسوب می‌شوند که انتزاعیات در آن‌ها سهم داشته‌اند.

تو درختِ دولتی در باغِ اقبال و تراست
عدل بیخ و علم شاخ و جاه برگ و جود بار
(همان: ۱۶۳)

درختِ عزمی در بوستان دولت و هست
جلال بیخ و سخا برگ و مکرمت بر تو
(همان: ۴۱۹)

ای بزرگی که تن خصم و دل دشمن تو
بسته‌ی دام غم و خسته‌ی تیر حزنست
(همان: ۶۰۵)

همی‌روم سوی درگاه شاه تا گردد
شرنگ و خار غمم، شکر و گل شادی
(همان: ۴۴۹)

چون آرزوی تنگدلان دیر رسیدی
چون دوستی سنگدلان زود برفتی
(همان: ۵۸۹)

نیازمندی معدوم گشت چون سیمرغ
ز بس عطا که تو اهل نیاز را دادی
(همان: ۴۴۸)

در کوی هوا، دامِ هوانست نهاده
بیهوده به پیرامن آن دام چه گردی
(همان: ۵۸۲)

نتیجه‌گیری



از جمله نوآوری‌ها و اثرگذاری‌های عبدالواسع جبلی در جریان تحول سبک شعر فارسی از خراسانی به عراقی، در زمینه‌ی تشبیه و تفاوت کاربرد آن در شعر این شاعر نسبت به پیشینیان و حتی هم‌عصرانش است. وفور تشبیهات در دیوان این شاعر سبک‌ساز بیانگر این است که او بر این آرایه متمرکز شده و به عنوان یک صنعت ادبی در جهت تفاخر از آن بهره گرفته است.

یافته‌ها نشان می‌دهد هدف عبدالواسع جبلی در دیوانش صنعت‌پردازی است که البته با نگاه فضل-فروشانه‌ی او، با تشبیهاتی غریب همراه شده است. سلیقه و ذوق ادبی رایج عصر سلجوقی - که از ساده‌پسندی دوره‌ی سامانی و غزنوی فاصله گرفته بود و به تصنع و پیچیدگی تمایل داشت؛ هر چند هنوز در آغاز راه و با ناپختگی همراه بود-، در غرابت تشبیهات شاعر مؤثر است. تلاش عبدالواسع جبلی در جهت ازدحام و انبوهی تشبیه به‌ویژه تشبیهات ملفوف است؛ به طوری که حتی گاه شش تشبیه را در یک بیت گنجانده است. تشبیه‌گرا بودن شاعر موجب شده که از تلاشی مفراط و تصنع‌آمیز در خلق وجه‌شبه‌های ابتکاری در شعرش بهره بگیرد؛ تا حدی که سهم حضور تشبیه در سخنانش بیش از نیمی از سهم دیگر آرایه‌هاست. عبدالواسع جبلی در تلاش برای غرابت تشبیهاتش، مشبه‌به‌های زنجیره‌ای فراوانی در حوزه‌های متنوع جنگ، موسیقی، گل و نجوم را فرا خوانده و به صورت پیوسته در سخن خویش گنجانده است. علاوه بر این، جبلی به کرات در یک بیت، همزمان یک مشبه‌به را با دو مشبه یا بالعکس ارتباط داده که خود بیانگر خلاقیت شاعر است. استفاده از ظرفیت پایان‌ناپذیر تشبیهات عکس و حروفی نیز در ضمن غلبه‌ی عناصر انتزاعی بر غرابت تشبیهات جبلی افزوده‌اند.

در پایان، این نکته شایان توجه است که عبدالواسع جبلی بر صنعت تشبیه متمرکز شده است، به طوری که دیگر آرایه‌ها در برابر تسلط تشبیه در دیوان او نمودی ندارند؛ حال آن که، دیگر شاعران هم‌عصر او از جمله انوری ابیوردی در کنار دیگر آرایه‌ها، از تشبیه نیز بهره گرفته‌اند و تشبیه تنها آرایه‌ی شاخص در شعر آن‌ها به شمار نمی‌آید.



منابع

- اخسیکتی، اثیر. (۱۳۳۷) **دیوان اثیرالدین اخسیکتی**، تصحیح و مقابله و مقدمه و شرح حال به قلم رکن-الدین همایون فرخ، چاپ اول، تهران: کتابفروشی رودکی.
- انوری. (۱۳۷۶) **دیوان انوری**، با مقدمه‌ی سعید نفیسی، به اهتمام پرویز بابایی، تهران: نگاه.
- جبلی، عبدالواسع (۲۵۳۶) **دیوان عبدالواسع جبلی**، به اهتمام و تصحیح و تعلیق ذبیح‌الله صفا، تهران: امیرکبیر.
- حسام‌العلماء آق‌اولی. (۱۳۷۳) **درر الادب**، قم: ستاره.
- رجایی، محمد خلیل. (۱۳۵۳) **معالم‌البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع**، شیراز: دانشگاه پهلوی.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵) **از گذشته‌ی ادبی ایران**، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۵) **بیان**، تهران: میترا.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۲) **سبک‌شناسی شعر**، تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱) **نگاهی تازه به بدیع**، تهران: فردوس.
- کشاوری، کبری. (۱۳۹۳) **بررسی جنبه‌های زیبایی‌شناختی علم بدیع در دیوان عبدالواسع جبلی**، زابل: دانشگاه زابل.
- کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی سبزواری. (۱۳۶۹) **بدایع‌الافکار فی صنایع‌الشعار**، ویراسته و گزارده‌ی میر جلال‌الدین کزازی، چاپ اول، تهران: مرکز.



Investigating the Factors of the Prevalence of the Simile in the Divan of the Abdolvaasse Jabali

Leila amiri¹

Zahra riahi zamin²

Abstract

Abdolvaasse Jabali is a poet of the sixth century AH which the majority of scholars know him as someone changes the style of Persian poetry from Khorasani to Iraqi. This paper seeks to investigate the factors of the Simile in his Divan with a qualitative research method, an analytical-descriptive type and a text-based approach. Also if necessary be used of comparative and contingency methods. The analysis of the poems by Abdolvaasse Jabali shows that the calling of the chain of Moshabahon beh of one family that has relationships, which is in line with each other, is a coincidence of a similar arrangement for two sides and with two different faces in one verse, changing the place and the way, the Simile of the letters, and the variety of Moshabah & Moshabahon beh, among the reasons for the strangeness of Simile in his poems; to the point where the poet can be said of a simile more than a literary array and in the direction Being aesthetician, as an array, and for the pride and declaring discourse, the dominant content in his Divan is underneath a layer of bizarre, reticent, complex and Blindfolded is hidden.

Keywords: the Simile of the letters, Abdolvaasse Jabali, strangeness of Simile.

1 . Assistant Professor Shiraz University. Shiraz, Iran (Corresponding Author)//Email: amirifa902@gmail.com

2 . Associate Professor, Shiraz University, Shiraz, Iran ./Email: zriahi@rose.shirazu.ac.ir